

# ھیأت منصفه (مطالعه‌ی تطبیقی)

نگارش:

دکتر نور محمد صبری

(مدرس دانشگاه)



صبیری، نورمحمد، ۱۳۴۸ —  
هیأت منصفه (مطالعه‌ی تطبیقی) / نگارش: نورمحمد صبیری — تهران:  
میزان، ۱۳۸۴  
۱۹۲ ص (نشر میزان ۲۲۴)

ISBN: 964-511-023-8

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه: ص. ۱۸۱ - ۱۹۱: همچنین به صورت زیرنویس  
۱. هیأت منصفه الف. عنوان.  
۲۵۹ ص / K۲۲۹۲ ۳۴۷/۰۷۵۸  
کتابخانه ملی ایران ۳۸۶۲۹-۸۴م

۲۲۴

نشر میزان

هیأت منصفه

دکتر نورمحمد صبیری

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۴

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۵۱۱-۰۲۳-۸

---

دفتر مرکزی: خ انقلاب، خ ایرانشهر، جنب مسجد جلیلی، پلاک ۳۴، واحد ۶، تلفن ۸۸۳۰۶۲۰۴  
واحد پخش و فروش: نمایشگاه و فروشگاه تخصصی کتب حقوق و علوم سیاسی، انتشارات  
دانشگاه تهران، نشر میزان، خ انقلاب، بین لاله‌زار و فرصت، پلاک ۶۰۵، تلفن و دورنویس ۸۸۸۴۵۳۸۶

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	چکیده
۱۳	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
۱۷	۱- طرح موضوع
۲۰	۲- اهمیت موضوع
۲۲	۳- اهداف موضوع
۲۳	۴- سوابق موضوع
۲۳	۵- روش تحقیق
۲۴	۶- طرح تحقیق (ترتیب فصول)

### فصل یکم

۲۵	<b>پیشینه تاریخی نهاد هیأت منصفه</b>
۲۷	مبحث یکم: هیأت منصفه در حقوق کشورهای غربی
۲۸	الف) یونان باستان
۲۹	ب) روم قدیم
۲۹	ج) انگلستان
۳۲	د) ایالات متحده آمریکا
۳۴	ه) فرانسه
۳۵	۱- هیأت منصفه ای آتهامی
۳۶	۲- هیأت منصفه محاکماتی
۳۷	و) شوروی سابق

۳۸	..... مبحث دوم: هیأت منصفه در حقوق اسلام و ایران
۳۸	..... الف) حقوق اسلام
۴۰	..... ب) حقوق ایران
۴۲	..... ۱- قبل از انقلاب اسلامی
۵۰	..... ۲- بعد از انقلاب اسلامی

### فصل دوم

۵۷	..... مفهوم، ماهیت و خصوصیات هیأت منصفه
۵۹	..... مبحث یکم: مفهوم هیأت منصفه
۵۹	..... الف) تعریف لغوی
۵۹	..... ب) تعریف اصطلاحی
۶۱	..... مبحث دوم: ماهیت هیأت منصفه
۶۱	..... الف) در نقش شهود
۶۲	..... ب) عهده دار وظیفه‌ی کارشناسی
۶۳	..... ج) یکی از ادله‌ی اثبات دعوا
۶۳	..... د) شبیه نهاد تعقیب
۶۴	..... ه) در نقش قضایی
۶۴	..... و) مشابه نهاد قسامه
۶۵	..... ز) شبیه نظام عدول
۶۶	..... ح) شبیه تعیین حکم
۶۶	..... مبحث سوم: خصوصیات هیأت منصفه

### فصل سوم

۶۹	..... فلسفه‌ی وجودی نهاد هیأت منصفه
۷۲	..... مبحث یکم: علت حضور هیأت منصفه در دادرسی
۷۲	..... الف) در دادرسی‌های کیفری به طور عام
۷۴	..... ب) در دادرسی‌های مطبوعاتی و سیاسی
۷۶	..... مبحث دوم: دیدگاه‌های موافقان و مخالفان هیأت منصفه
۷۷	..... الف) دلایل موافقان

۷۷	۱- اعمال سیاست جنایی مشارکتی
۷۷	۲- کشف واقع به وسیله‌ی جمع
۷۸	۳- اتخاذ تصمیم براساس وجدان و انصاف
۷۸	۴- تضمین بی طرفی در صدور رأی
۷۹	۵- غیرحقوقی بودن مفاهیم برخی از جرایم
۷۹	۶- اقتناع محکومان و جلب اعتماد عمومی
۷۹	۷- قدمت طولانی نهاد هیأت منصفه
۸۰	۸- تجلی افکار عمومی در آرای دادگاه‌ها
۸۰	۹- توجه به انگیزه‌ی متهمان
۸۰	۱۰- تسریع در رسیدگی و تصمیم‌گیری
۸۱	۱۱- تمرین تعاون و همکاری اجتماعی
۸۱	ب) دلایل مخالفان
۸۱	۱- نظریه‌ی استقلال قاضی
۸۳	۲- نظریه‌ی حجیت علم قاضی
۸۳	۳- فرضیه‌ی عادل بودن قاضی
۸۴	۴- ماهیت خاص جرایم مطبوعاتی و سیاسی
۸۴	۵- سپردن دادرسی به اشخاص فاقد تجربه
۸۵	۶- تأثیر عوامل و افکار عمومی در هیأت منصفه
۸۶	۷- نداشتن سابقه‌ی فقهی و دینی هیأت منصفه
۸۶	۸- مغایرت با اصل تخصصی بودن قضاوت
۸۷	۹- بروز اشتباه و صدور آرای متفاوت
۸۸	۱۰- ایجاد خلل در روند دادرسی و صدور حکم
۸۹	ج) جمع‌بندی دیدگاه‌های موافق و مخالف
۹۳	مبحث سوم: توجیه شرعی حضور هیأت منصفه در دادرسی
۹۴	الف) سیستم قضاوت مشترک (شورایی)
۹۵	ب) حضور علماء و دانشمندان در مجلس قضا
۹۸	۱- تفاوت در خاستگاه
۹۸	۲- تفاوت از نظر نوع انتخاب
۹۸	۳- تفاوت در نحوه‌ی حضور در دادگاه

- ج) کمک به قاضی در تشخیص موضوع و مفاهیم کلی ..... ۹۸
- د) تثبیت هیأت منصفه در قانون اساسی ایران ..... ۱۰۰
- مبحث چهارم: مزایا و معایب محاکمه در حضور هیأت منصفه ..... ۱۰۱
- الف) مزایا ..... ۱۰۲
- ب) معایب ..... ۱۰۲

### فصل چهارم

- نحوه‌ی انتخاب و شرایط اعضای هیأت منصفه** ..... ۱۰۵
- مبحث یکم: نحوه‌ی انتخاب اعضای هیأت منصفه ..... ۱۰۷
- الف) در حقوق ایران ..... ۱۰۸
- ب) در حقوق انگلیس ..... ۱۱۳
- ج) در حقوق فرانسه ..... ۱۱۴
- د) در حقوق آمریکا ..... ۱۱۵
- مبحث دوم: شرایط اعضای هیأت منصفه ..... ۱۱۵
- الف) در حقوق ایران ..... ۱۱۶
- ب) در حقوق انگلیس ..... ۱۱۹
- ۱- اشخاص فاقد صلاحیت ..... ۱۲۰
- ۲- اشخاص نامناسب ..... ۱۲۰
- ۳- اشخاص معاف از عضویت ..... ۱۲۱
- ج) در حقوق فرانسه ..... ۱۲۴
- د) در حقوق آمریکا ..... ۱۲۵

### فصل پنجم

- نحوه‌ی حضور و نقش هیأت منصفه در دادرسی** ..... ۱۲۷
- مبحث یکم: نحوه‌ی حضور هیأت منصفه در جلسات دادرسی ..... ۱۲۹
- الف) در حقوق ایران ..... ۱۳۰
- ب) در حقوق انگلیس ..... ۱۳۵
- ج) در حقوق فرانسه ..... ۱۳۷
- د) در حقوق آمریکا ..... ۱۳۸

۱۳۹	.....	مبحث دوم: صلاحیت و حدود اختیارات هیأت منصفه
۱۴۰	.....	الف) در حقوق ایران
۱۴۰	.....	۱- نقش تصمیم‌گیرانه از سوی هیأت منصفه
۱۴۱	.....	۲- نقش مشورتی - کارشناسی هیأت منصفه
۱۴۵	.....	○ تعارض رأی هیأت منصفه با نظر قاضی دادگاه
۱۴۷	.....	○ حضور هیأت منصفه در مرحله‌ی تجدیدنظر
۱۴۹	.....	ب) در حقوق انگلیس
۱۵۳	.....	ج) در حقوق فرانسه
۱۵۵	.....	د) در حقوق آمریکا
۱۵۶	.....	نتیجه‌گیری
۱۶۱	.....	پیوست‌ها
۱۶۲	.....	قانون هیأت منصفه
۱۶۷	.....	آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون هیأت منصفه
۱۷۵	.....	طرح جرم سیاسی
۱۸۱	.....	منابع و مأخذ
۱۸۱	.....	الف) کتاب‌ها
۱۸۱	.....	۱- به زبان عربی
۱۸۲	.....	۲- به زبان فارسی
۱۸۶	.....	۳- به زبان انگلیسی
۱۸۶	.....	۴- به زبان فرانسه
۱۸۶	.....	ب) مقاله‌ها و جزوه‌ها
۱۸۶	.....	۱- به زبان عربی
۱۸۷	.....	۲- به زبان فارسی
۱۸۹	.....	ج) پایان‌نامه‌های تحصیلی
۱۹۰	.....	د) قوانین و مقررات

## چکیده

از همان موقعی که اندیشمندان علوم سیاسی و حقوق موفق شدند با ارایه‌ی تئوری‌های خود حضور مردم را در انجام انتخابات عمومی به طریق مستقیم و یا غیرمستقیم در قوای مجریه و مقننه به منصفه‌ی ظهور برسانند، به دنبال راه‌حلی بودند که بتوانند در دستگاه قضایی نیز حضور مردم را تحکیم بخشند. لذا، تأسیسی تحت عنوان «هیأت منصفه» شکل گرفت که می‌توان از آن به عنوان «نهاد قضایی مردمی» تعبیر کرد. پیدایش این نهاد مرهون سیستم قضایی انگلستان است که در اواخر قرن هجدهم میلادی در این کشور تأسیس شد و سپس در سال ۱۷۹۱ میلادی پس از انقلاب کبیر فرانسه وارد سیستم حقوقی این کشور گردید و متعاقب آن در خیلی از کشورها نیز به رسمیت شناخته شد.

در ایران، برای نخستین بار در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطه (مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری) حضور هیأت منصفه درباره‌ی جرایم سیاسی و مطبوعاتی با فلسفه‌ی حمایت از آزادی‌های سیاسی و مطبوعاتی پذیرفته شد و پس از انقلاب اسلامی نیز طی اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این موضوع مورد پذیرش خبرگان قانون اساسی قرار گرفت که متعاقب آن و در راستای اجرای اصل مزبور قوانین متعددی راجع به هیأت منصفه به تصویب رسید.

اما، باید دید هیأت منصفه چیست و در سیستم قضایی چه جایگاهی دارد؟ هیأت منصفه اصطلاح مناسب و رسایی است که در حقوق ایران در برابر لفظ انگلیسی جوری (*Jury*) یا به قول فرانسوی‌ها (ژوری) انتخاب شده و عبارت از گروهی از صنوف و اقاتار مختلف جامعه است که به عنوان نماینده‌ی افکار عمومی و انتظارات مردم از دستگاه قضایی در رسیدگی به پاره‌ای از جرایم تحت شرایط خاصی با قضات دادگاه‌های کیفری همکاری می‌کنند.

با وجود این، در حقوق ایران به دلایلی از جمله؛ جوانی و جدید بودن این نهاد



(علی‌رغم این‌که در بعضی از کشورها قدمتی دیرینه دارد)، روشن نشدن مبانی فقهی آن، عموماً ترکیب انتصابی اعضای آن و عدم مشارکت واقعی مردم و حتی عدم تعریف جرایم سیاسی و مطبوعاتی، نهاد هیأت منصفه هنوز نتوانسته است جایگاه واقعی خود را در دادرسی‌های مطبوعاتی و سیاسی پیدا کند.

لذا، انتخاب مردمی اعضای هیأت منصفه، توجّه قاضی به رأی و نظر آنان، تخصّص قضایی نداشتن آنان و دخالت نکردن اعضای این هیأت در قضاوت، از جمله‌ی شروطی است که با توجّه به تحولاتی که در ماهیت این نهاد پدید آمده است، امروزه باید رعایت شود. از طرفی، پای‌بندی به این شروط در حقوق ایران، وقتی می‌تواند جامه‌ی عمل به خود ببوشد که از دیدگاه فقهی نیز بتوان چنین جایگاهی برای هیأت منصفه در نظر گرفت.

با تصویب قانون جدید هیأت منصفه در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۸۲، این سؤال مطرح می‌شود که، قانون جدید تا چه میزان توانسته است و یا خواهد توانست که نارسایی‌های گذشته‌ی هیأت منصفه را جبران کند، و مشارکت واقعی مردم را در سیاست جنایی به فعلیت برساند.

بنابراین، در این پژوهش تلاش شده تا ضمن تبیین ماهیت هیأت منصفه با توجّه به خاستگاه آن، قوانین داخلی نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته و با ارایه‌ی معیارهایی برای انطباق این نهاد با شرع، راه‌کارهایی جهت استحکام در امر قانونگذاری ارایه شود و طبیعی است با استفاده از حقوق کشورهای اروپایی از جمله انگلستان و فرانسه به عنوان نظام‌های حقوقی شاخص در دو سیستم کامان‌لو و رومی - ژرمنی و نیز حقوق ایالات متحده‌ی آمریکا سعی خواهد شد تا پاسخ مناسبی برای پرسش‌های مطروحه پیدا شود.

## پیشگفتار

یکی از اصولی که در قرآن کریم و نیز کلام معصومین علیهم السّلام و از جمله در کتاب گهربار نهج البلاغه مورد تأکید قرار گرفته، اصل شورا و مشورت است. مقتضای این اصل که به عنوان یکی از ارکان نظام اسلامی به شمار می‌رود، آن است که، سران دولت و مسئولان جامعه با مردم مشورت کنند و امور را براساس مشورت با مردم به پیش ببرند.

خداوند متعال در قرآن کریم شورا را مبنای اصلی سلوک و رفتار متقابل مردم دانسته و آن را به عنوان یکی از خصایص برجسته‌ی مؤمنان و در ردیف اطاعت امر خدا و برپاداشتن نماز قرار داده است. کما این‌که، آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی مبارکه‌ی «شوری» در این باره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»<sup>(۱)</sup>.

در اهمیت شورا و مشورت همین بس که، قرآن کریم آن را در کنار ایمان و اقامه‌ی نماز و انفاق آورده و آن چنان مطلق بیان کرده است که، تمامی امور را دربرمی‌گیرد. تا بدین ترتیب، راه خیره‌سری و خودمحوری و استبداد بر روی افراد بسته شود و با تعاطی افکار و برخورد اندیشه‌ها، هم زمینه‌ی تفاهم و ایجاد امنیت خاطر بین افراد فراهم آید و هم این‌که مناسب‌ترین تدبیر اتخاذ شود.

به علاوه، در آیه‌ی ۱۵۹ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران امر به مشورت کردن به شکل صریح‌ترین آمده و خداوند متعال با بیان «وَأَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»<sup>(۲)</sup> خطاب به پیامبرگرامی اسلام (ص) به وجوب آن اشاره کرده است. چرا که، در نزد خداوند متعال، همه‌ی افراد و حتی پیامبرگرامی اسلام (ص) علی‌رغم داشتن مراتب کمال عقل و اندیشه و به عنوان

۱ - ترجمه: و آنان که امر خدا را اجابت و اطاعت کردند و نماز بپا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام دهند و از آن‌چه روزی آنان کردیم به فقیران انفاق کنند.

۲ - ترجمه: و در کار جنگ با آنان مشورت کن.

بزرگ‌ترین راهنمای بشریت، قبل از هر گونه اتخاذ تصمیمی موظف به مشورت با اطرافیان خود گردیده است تا به دین و سیله، سایر زمامداران به مقام شامخ او تأسی جویند و خشونت و سخت‌دلی را از ذهن خود بزایند و رابطه‌ی توأم با نرمش و عطف را بین خود و فرمانبرداران ایجاد نمایند.

علما و مفسران بزرگ اسلامی حکمت نهفته‌ی تکلیف الهی «مشاوره» و موظف شدن مسئولان جامعه به «مشورت» با مردم را مورد توجه قرار داده‌اند و آن را موجب (۱) شخصیت دادن به اُمت و احترام به نظرات مردم، (۲) رشد فکری مردم و ایجاد انتقاد منطقی، (۳) استفاده از مشارکت فکری مردم و پرهیز از تحمیل و فشار، (۴) آگاه کردن مردم از آنچه که در کار حکومتی می‌گذرد، (۵) پرهیز از استبداد و القای فضیلت نظرخواهی به مردم، (۶) ارشاد زمامداران و مسئولان سیاسی در مشورت با مردم و..... دانسته‌اند.<sup>(۱)</sup>

در سیره‌ی عملی معصومین (ع) نیز مشاورت‌های فراوانی ثبت شده است، از جمله آن که پیامبر گرامی اسلام (ص) خصوصاً در جنگ‌ها صاحب‌نظران نظامی را بارها به مشورت طلبیده است. علاوه بر آن، گفتارهای فراوانی در اسناد خبری از آن بزرگواران موجود است که مردم را تشویق و ترغیب به مشورت نموده و از استبداد و خودرأیی برحذر داشته‌اند. از حضرت علی علیه‌السلام وارد شده که درباره‌ی مشورت و کنکاش فرموده‌اند: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْإِزَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَاءِ».<sup>(۲)</sup> یعنی، کسی که به اندیشه‌های گوناگون روی آورد و از خردمندان کمک فکری بطلبد، جایگاه‌های خطاء و اشتباه کاری را بشناسد و از آنچه زیان دارد دوری گزیند و یا آن حضرت در جای دیگری فرموده‌اند که: «لَا تَسْتَبِدُّ بِرَأْيِكَ، فَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ فَهَلَكَ».<sup>(۳)</sup> یعنی، در رأی خود استبداد و خودکامگی نکن، هر که خودرأیی کند هلاک شود.

بر اساس دستور قرآن کریم مبنی بر «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» و «شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طی اصل هفتم به این موضوع پرداخته شده و شوراها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره‌ی امور کشور تلقی شده‌اند. به علاوه، یک فصل از این قانون تحت عنوان «فصل هفتم» مشتمل بر اصول یکصد تا یکصد و ششم به

۱- سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، صفحه‌ی ۵۸۴.

۲- نهج‌البلاغه، فیض الاسلام، کلمات نصار، شماره‌ی ۱۶۴.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ۶/۲۹۶.

موضوع شوراها اختصاص داده شده است. که همه‌ی این‌ها نشان دهنده‌ی ارزش و اهمیت شوراها در دین اسلام و به تبع آن در حقوق ایران می‌باشد.

از طرفی دیگر، با این‌که از قدیم‌الایام، منصب قضا یک منصب رسمی و خاص حاکمیت بوده است و در حال حاضر نیز، حق قضاوت نسبت به اختلافات مردم و به تبع آن حق مجازات، یکی از حقوق متعلق به حاکمیت و یکی از مصادیق اعمال حاکمیت (در مقابل اعمال تصدی) تلقی می‌شود، با این حال، حاکمیت در اعمال این حق، عموماً به استفاده از وجود مردم و قضاوت‌های مردمی یا همان دادرسی‌های شورایی و مشارکتی موظف و یا دست کم سفارش شده است. ایجاد نهادهایی نظیر داوری، شوراها، داوری، خانه‌های انصاف، شوراها، حاکمیت، شوراها، حل اختلاف و به ویژه هیأت‌های منصفه، تلاش در جهت تحقق این تفکر و دیدگاه بوده است که از آن بعضاً به «سیاست جنایی مشارکتی» یاد می‌شود.

در این راستا، حضور هیأت منصفه در دادرسی‌ها به ویژه دادرسی‌های کیفری با هر ماهیت و نقشی که برای این حضور در نظر گرفته شود، مبنی بر این‌که موظف شده از قبل از صدور حکم دادگاه با هم به شور و مشورت پردازند و سپس نظر جمعی یا اکثریت را به دادگاه اعلام کنند، خود یکی از مصادیق بارز سیاست جنایی مشارکتی و استفاده از وجود مردم و نمایندگان افکار عمومی جامعه در حل و فصل اختلافات محسوب می‌شود.

یادآوری می‌شود که، کتاب حاضر، موضوع رساله‌ی دکترای پژوهشی نگارنده در رشته‌ی حقوق کیفری در دانشگاه (AOUL) انگلستان بوده که با اندکی تغییر در عنوان و هم چنین انجام اصلاحاتی در متن نهایتاً به شکل موجود در دسترس حقوق دانان، صاحبان قلم، دانش پژوهان و تمامی علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

نورمحمد صبری

زمستان ۱۳۸۴